

عدالت جبرانی و اصل جبران کامل خسارات، چالش‌ها و موانع

پریسا رضوان^۱ / علیرضا شمشیری^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

کد مقاله: ۱۱۸۹-۲۴۰۱-JHVMN

چکیده

در این نوشتار اصل جبران کامل خسارات که یکی از اصول بنیادین در حوزه مسئولیت مدنی محسوب می‌گردد با روش تحلیلی توصیفی و با هدف بررسی آن در نظام حقوقی ایران و نظام های حقوقی کشورهای خارجی مورد تحلیل قرار گرفته است. پرسش اصلی این است که آیا چنین اصلی در نظام حقوقی ایران قابل تصور می‌باشد یا خیر؟ در این خصوص با تحلیل مفهوم اصل جبران کامل خسارات و معیارها و چالش‌های مرتبط با آن و با نقد و بررسی قوانین و مقررات این نتیجه حاصل شد که به طور کلی، اصل جبران کامل خسارات در نظام حقوقی ایران قابل پذیرش است و در قوانین و رویه‌های قضایی مورد تأکید قرار دارد. با این حال، چالش‌هایی در زمینه تعیین و جبران خسارت وجود دارد که نیاز به توجه و اصلاحات بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: اصل جبران کامل خسارت، کامن‌لا، مسئولیت مدنی، انصاف.

^۱. مدرس دانشگاه و دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) parisa.rezvan^{۱۲}@gmail.com

^۲. استادیار حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

alireza.shamshiri@ctb.iau.ir



مقدمه

مسئولیت مدنی به عنوان یک اصل اساسی در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا شناخته می‌شود. یکی از مهم‌ترین اصول بنیادین در این حوزه، اصل جبران کامل خسارت است که هدف آن تأمین عدالت و بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده به حالت پیش از وقوع خسارت است. اصل جبران کامل خسارت در مسئولیت مدنی به این معناست که زیان‌دیده باید به گونه‌ای جبران شود که به وضعیت پیش از وقوع خسارت یا شرایطی که در آن صورت به دست می‌آورد، بازگردد. این اصل برای تأمین عدالت و انصاف به کار می‌رود و هدف آن این است که از زیان‌دیده حمایت شود تا او از نظر مالی و جسمی به حالت پیشین خود بازگردد و هیچ‌گونه ضرر و زبانی را که به او وارد شده، متحمل نشود در بسیاری از نظام‌های حقوقی، جبران خسارت به دو صورت امکان‌پذیر است: جبران مالی و جبران غیرمالی. جبران مالی به معنای پرداخت وجه نقد به زیان‌دیده برای جبران خسارات وارد شده به اموال و دارایی‌های او است. اما جبران غیرمالی بیشتر شامل خسارات ناشی از آسیب‌های معنوی یا روحی است که نمی‌توان آن‌ها را به راحتی با پول سنجید و به همین دلیل، در برخی از سیستم‌های حقوقی، جبران خسارت‌های غیرمالی به ویژه در مورد آسیب‌های روحی و روانی اهمیت ویژه‌ای دارد به همین جهت این اصل به طور گسترده در بسیاری از نظام‌های حقوقی، از جمله حقوق ایران و نظام‌های حقوقی مبتنی بر کامن‌لا (حقوق انگلیس) مورد توجه قرار گرفته است. هدف این مقاله توصیفی تحلیلی این اصل در نظام حقوقی ایران و بررسی چالش‌ها و موانع اجرایی آن است. در این راستا، پیشنهادهایی برای بهبود فرآیند جبران خسارت در نظام حقوقی ایران ارائه خواهد شد.

۱- مفهوم خسارت و انواع آن

ضرر یا خسارت از مفاهیمی هستند که قابل تعریف نیستند و هر چقدر هم که بخواهید این گونه مفاهیم را تعریف کنید مفهوم مورد نظر گنگ‌تر می‌شود به همین دلیل نیز قانون‌گذار سکوت کرده چنانکه برخی حقوقدانان و فقها به این نکته اشاره کرده و گفته‌اند چون ضرر مفهوم عرفی دارد در قانون تعریف نشده^۱ (صفائی و رحیمی، ۱۳۹۹، ۸۶) اما حقوقدانان هر کدام تعاریفی از ضرر کرده‌اند که به نظر تلاش بیهوده است اما با تجمیع تعاریف مختلف و به طور کلی می‌توان گفت ضرر عبارت

۱. سید حسین صفائی و حبیب اله رحیمی مسئولیت مدنی تطبیقی صفحه ۸۶ آن لفظ الضرر له مفهوم واضح عند العرف، بحیث کل تفسیر و شرح له لیس أوضح من نفسه، و مثل هذه المفاهیم لیست قابله للتعریف الحقیقی، فکل ما یذکر فی شرحه یکون تعریفا لفظیا هو أضحی منه» (سید محمد حسن بجنوردی القواعد الفقهیه جلد ۱ ص ۲۱۵)



از هر کاستی و نقصانی است که بر مال و حقوق مالی یا جسم یا حیثیت و شهرت یا عواطف شخص، به طور ناروا و ناخواسته از طرف دیگری وارد شود^۱. (باریکلو، ۱۴۰۱، ۶۸) بنابراین ضرر بر سه نوع است: مالی، معنوی و بدنی؛ ضرر مالی، هر گونه اقدامی که منجر به از بین رفتن یا ناقص و معیوب شدن مال شود یا منجر به این شود که شخص نتواند از منافع مسلم مال یا عمل خویش استفاده کند ضرر مالی می‌باشد مثل ذبح گاو شیرده یا قلع نخل خرما یا دیگری یا توقیف غیرقانونی شخص کارگر که موجب محروم شدن او از گرفتن مزد می‌شود یا آتش زدن اتومبیلی که حق انتفاع آن مال دیگری است و امثال آن. (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ۲۴۲) ضرر معنوی، آسیب‌هایی که به روح و روان انسان وارد می‌شود. و خود بر دو نوع است: ۱- ضرر به احساسات و عواطف مانند آنکه شخصی که بسیار لاغر و نحیف است را در جلوی عده کثیری معتاد و مفرغ خطاب کنند ۲- ضرر به حیثیت، شهرت و اعتبار مانند آن که با تهمت زدن به شخصی در فضای مجازی شهرت و اعتبار کاری و اجتماعی او مخدوش شود. (کریمی منفرد و لطف اله زادگان، ۱۴۰۳، ۲۱) در مورد قابل جبران بودن یا نبودن ضرر معنوی همیشه دو دیدگاه موافق و مخالف وجود داشته^۲ اما در نظام حقوقی ما با توجه به اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۱، ۲، ۸ و ۹ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ضرر معنوی قابل مطالبه بوده و حتی جبران خسارت معنوی با پرداخت وجه نقد نیز امکان دارد. ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی مقرر نموده است «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد هر گاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید». بنابراین جبران خسارت معنوی هم با پرداخت وجه نقد ممکن است و هم از شیوه‌های دیگر مانند عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن.

۱. علیرضا باریکلو مسئولیت مدنی صفحه ۶۸

۲. مخالفین معتقد بودند که کسی که به عواطف و احساسات او صدمه وارد شده است اخلاقاً صحیح نیست که در ازای آن وجه نقد دریافت کند و همچنین اثبات کردن و ارزیابی خسارت معنوی دشوار بوده و جبران آن غیر ممکن است و با پرداخت مبلغی پول نمی‌توان آن را از بین برد اما موافقین قابل جبران بودن ضرر معنوی معتقدند که اولاً معافیت از جبران ضرر معنوی غیر اخلاقی تر از جبران آن است پس جبران خسارت معنوی اگر چه مناسب و کامل نیست اما بهتر از عدم جبران است ثانیاً مسئولیت مدنی به دنبال آن نیست که خسارت معنوی را به طور کامل جبران کند زیرا این کار غیر ممکن است بلکه به دنبال آن است که خسارت زیان دیده را ترمیم کند و این ترمیم خسارت می‌تواند مالی باشد و زیان دیده را از نظر معنوی خوشحال کند مثل پرداخت غرامت، انتشار حکم محکومیت و غیره.



(صفاری، ۱۴۰۲، ۱۱۹) ضرر بدنی نیز صدمه‌ای است که به جسم انسان وارد می‌شود البته ضرر بدنی بر حسب مورد ممکن است جزئی (نقص عضو) یا کلی (مرگ) باشد. بنابراین، خسارت بدنی و جانی شامل دو بخش می‌باشد: الف- ضرر ناشی از ورود خسارت به جسم و سلامت (مانند هزینه‌های درمان و از کار افتادگی، هزینه‌های جبران افزایش مخارج زندگی بعد از ورود ضرر جسمی) ماده ۵ ق.م.م در این زمینه بیان می‌دارد «اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود وارد کننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است». ب- ضرر ناشی از مرگ شخص آسیب دیده (مانند هزینه‌های کفن و دفن)

۲- جایگاه و اهمیت اصل جبران کامل خسارت

اصل کامل جبران خسارت که از آن با عنوان "اصل غرامت" نیز یاد می‌شود (عرفانی، ۱۳۸۱، ۵۳) یکی از اصول بنیادین در حوزه مسئولیت مدنی است که به موجب آن، هر شخصی که به دلیل عمل غیرقانونی یا تقصیر دیگری خسارت ببیند، حق دارد تا به طور کامل و بدون هیچ گونه کم و کاستی، خسارت خود را جبران کند. این اصل به منظور حمایت از حقوق آسیب‌دیدگان و ایجاد عدالت اجتماعی ایجاد شده و به این معنا و مفهوم است که باید تلاش نمود تا زیان وارده به طور کامل جبران شود و وضعیت زیان دیده تا حد ممکن به قبل از وقوع حادثه بازگردد به شکلی که گویی از اصل زیان وارد نیامده است. (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ۵۳۴) به دیگر سخن هدف آن است که غرامت، کمتر از زیان وارد شده و یا بیشتر از آن نباشد (صفائی و رحیمی، ۱۳۹۹، ۴۵۲) البته این قاعده تنها در صورتی قابل اعمال است که خسارت وارده قابل جبران تشخیص داده شود. به عبارت دیگر، قبل از اینکه به میزان جبران خسارت پرداخته شود، باید مشخص شود که آیا خسارت به وجود آمده، واقعاً قابل جبران است یا خیر. بنابراین، این اصل به معنای جبران هرگونه خسارت نیست و برخی از زیان‌ها ممکن است به دلایل مختلف، الزامی برای جبران نداشته باشند در نهایت، اصل جبران کامل خسارت باید در چارچوبی منطقی و با توجه به شرایط خاص هر مورد مورد بررسی قرار گیرد و نه به صورت مطلق و عمومی؛ این اصل از چند جهت حائز اهمیت است اولاً این اصل به افراد این اطمینان را می‌دهد که در صورت آسیب دیدن، می‌توانند خسارت خود را به طور کامل دریافت کنند. ثانیاً با وجود این اصل، افراد و سازمان‌ها به رعایت قوانین و احتیاط در رفتار خود تشویق می‌شوند تا از وقوع خسارت جلوگیری کنند ثالثاً اصل کامل جبران خسارت به برقراری عدالت و توازن در روابط اجتماعی کمک می‌کند.

۳- مبانی نظری اصل جبران کامل خسارت

اصل جبران کامل خسارت یکی از اصول بنیادین در حقوق مدنی است که هدف آن تأمین عدالت و حمایت از حقوق افراد است. مبانی نظری این اصل به چندین جنبه کلیدی مرتبط است که در زیر به تفصیل توضیح داده می‌شود:

۳-۱- انصاف

یکی از اصول بسیار مهم و کاربردی اصل عدالت و انصاف می‌باشد به موجب این اصل، باید هر چیزی را در جای خود قرار داد. (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱، ۶۱) این اصل، در قوانین و مقررات نیز نفوذ پیدا کرده است. به عنوان مثال در مبحث وفای به عهد به دادرسی اختیار داده تا وضع خاص مدیون را در نظر بگیرد و بر خلاف قواعد کلی به او مهلت بدهد. (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ۶۸۰) یا در ماده ۵۷۱ قانون تجارت مقرر شده «در مورد ماده ۵۶۱ محکمه فقط صحت مدارک را سنجیده در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار می‌دهد و در مورد ماده ۵۶۵ محکمه اوضاع و احوال را سنجیده به طوری که مقتضی عدل و انصاف بداند حکم می‌دهد و در هر دو صورت حکم باید در جلسه علنی صادر گردد» تامل در مجموعه‌های روبه قضایی نیز نشان می‌دهد که رعایت انصاف تا چه اندازه در دادرسی‌ها موثر است به عنوان مثال دادگاهی که پدر نامشروع را ملزم به گرفتن شناسنامه برای فرزند طبیعی خود می‌کند یا برای فرار از مجازات شدید و غیرمنصفانه تلاش می‌کند تا به براءت متهم رای بدهد از همین سرچشمه آب می‌خورد. (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ۶۸۶) در نوشته‌های حقوقی، هم رجوع به انصاف و عدالت برای توجیه راه حل‌های حقوقی فراوان است مرحوم دکتر امامی و دکتر کاتوزیان در بسیاری از نوشته‌های خود و در مقام رد نظریه‌ای استدلال کرده‌اند که دور از انصاف قضایی است. (همان، ۶۸۷) لذا انصاف به عنوان یکی از مبانی اصل جبران کامل خسارت، نقش حیاتی در تحقق عدالت و برابری در نظام حقوقی ایفا می‌کند. با رعایت این اصل، می‌توان به فرد زیان دیده اطمینان داد که حقوق او به درستی رعایت می‌شود و او به وضعیت پیشین خود بازمی‌گردد.

۳-۲- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که در بیشتر ابواب فقهی همانند عبادات و معاملات به آن استناد می‌شود و اهمیت آن به اندازه ای است که برخی از فقیهان بزرگ درباره آن کتب مستقلی نوشته اند که از آن جمله می‌توان به کتاب قاعده لاضرر نوشته شیخ الشریعه اصفهانی



و کتاب قاعده لاضرر و لاضرار نوشته آیت الله سید علی حسینی سیستانی اشاره نمود و مفهوم کلی این قاعده آن است که کسی حق ندارد به خود ضرر و خسارت وارد کند و یا به حق دیگری تجاوز نموده و ضرر وارد کند. (بورمند، ۱۴۰۳، ۴۳) در خصوص قاعده لاضرر روایات بسیار متعددی وارد شده است که مفهوم همه آنها با هم مشترک هستند که معروف ترین آن داستان سمره بن جندب است از زراره نقل کرده است که امام باقر (ع) فرمود در زمان رسول خدا (ص) سمره بن جندب در کنار خانه مردی از انصار درخت خرمایی داشت که راه عبور آن از داخل ملک آن مرد انصاری می‌گذشت و سمره بن جندب برای رسیدگی و سرکشی به آن درخت بارها سرزده وارد ملک مرد انصاری می‌شد و باعث مزاحمت خانواده او می‌گردید مرد انصاری از وی می‌خواهد که قبل از ورود به ملک او اجازه بگیرد و بعد وارد شود اما سمره بن جندب نمی‌پذیرد لذا مرد انصاری نزد رسول خدا شکایت می‌کند پیامبر به سمره می‌گوید هنگام عبور اجازه بگیر سمره نمی‌پذیرد سپس پیامبر پیشنهاد دیگری به سمره می‌کند (دادن درختی دیگر با همان اوصاف به او، دادن ده نفر نخل خرما، وعده یک درخت خرما در بهشت) ولی باز هم سمره بن جندب لجاجت کرده و نمی‌پذیرد تا اینکه رسول خدا به مرد انصاری فرمود «اذهب فاقلعها و ارم بها الیه فانه لا ضرر و لا ضرار» یعنی برو و آن درخت را از جا بکن و به نزد او بینداز زیرا ضرر و ضراری وجود ندارد. (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۹۴) بر مبنای این قاعده فقهی معتبر چنانچه خسارت وارده به زیان دیده به طور کامل جبران نشود منجر به ورود ضرر به زیان دیده می‌گردد و این موضوع بر خلاف قاعده لاضرر می‌باشد. البته در مورد معنای ضرر میان اهل لغت اختلاف نظر فراوان است و معانی گوناگونی برای آن ذکر کرده‌اند (که از آن جمله می‌توان به: خلاف نفع، سوء حال، نقص در حقوق، عمل ناپسند نسبت به یک شخص اشاره کرد) این اختلاف نظر در میان لغویون به فقه هم سرایت کرده و باعث اختلاف آرا فقهی شده اما به طور کلی می‌توان گفت ضرر دارای معنای عرفی است یعنی نداشتن و از دست دادن هر یک از مواهب زندگی، جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگری که از آن بهره مند می‌شویم (بورمند، ۱۴۰۳، ۴۶).

۳-۳- حمایت از زیان دیده

اصل جبران کامل خسارت به منظور حمایت از افراد زیان دیده در برابر آسیب‌های ناشی از اعمال غیرقانونی یا ترک فعل‌های غیرقانونی دیگران تدوین شده است. این اصل، هدف اصلی‌اش را از طریق جبران خسارت‌های وارد شده به قربانیان تحقق می‌بخشد تا آن‌ها بتوانند به وضعیت پیشین خود بازگردند و از اثرات منفی و مضر آن اعمال یا ترک فعل‌ها رهایی یابند. در دنیای حقوقی، زمانی که یک فرد به دلیل نقض قوانین یا ارتکاب فعل غیرقانونی از سوی دیگران متحمل خسارت می‌شود،



اصل جبران کامل خسارت به این معنا است که باید تمامی خسارت‌های وارد شده به فرد زیان‌دیده جبران شود. این جبران نه تنها باید جنبه‌های مالی خسارت را پوشش دهد بلکه باید به جبران خسارت‌های معنوی، روحی و جسمی نیز بپردازد. به عبارت دیگر، هدف اصلی این اصل بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیت قبلی خود است، به گونه‌ای که وی هیچ‌گونه زیان یا ضرری را که به دلیل فعل غیرقانونی متحمل شده، احساس نکند. نکته مهم در خصوص این اصل این است که جبران خسارت باید به‌طور کامل و بدون هرگونه کاستی انجام گیرد. به‌طور خاص، این اصل در مواجهه با خسارت غیرمالی مانند آسیب‌های روانی و عاطفی اهمیت پیدا می‌کند. چرا که در بسیاری از موارد، خسارت‌های غیرمالی به‌ویژه در مواردی چون نقض حقوق فردی، افت اعتبار اجتماعی، یا آسیب‌های روحی ناشی از حوادث، به راحتی قابل ارزیابی با پول نبوده و نیاز به یک مکانیزم خاص برای جبران دارد. از این رو، بسیاری از سیستم‌های حقوقی دنیا در تلاش هستند که این خسارت‌ها را نیز با دقت و انصاف جبران کنند. در نتیجه، اصل جبران کامل خسارت نه تنها در راستای بازگرداندن وضعیت قبلی زیان‌دیده است، بلکه به نوعی از افراد در برابر آسیب‌های ناشی از رفتارهای غیرقانونی محافظت می‌کند و آن‌ها را از تاثیرات منفی اینگونه اعمال در امان می‌دارد. به همین دلیل، این اصل در تمامی سیستم‌های حقوقی به‌ویژه در مسئولیت مدنی به عنوان یک اصل کلیدی و مهم شناخته می‌شود. پس با توجه به مطالب پیش گفته مشخص شد اصل جبران کامل خسارت بر مبنای نظری متعددی استوار است که شامل عدالت، پیشگیری از زیان و حمایت از زیان‌دیده می‌شود. این اصل نه تنها به حمایت از قربانیان کمک می‌کند، بلکه به ایجاد یک نظام حقوقی منسجم و عادلانه نیز می‌انجامد. (یوسفی، ۱۳۹۷، ۳۴)

۴- اصل جبران خسارت در نظام‌های حقوقی خارجی

جهت جبران خسارت در نظام‌های حقوقی خارجی از مبنای متعددی استفاده می‌شود که از آن جمله می‌توان به جبران منصفانه خسارت و جبران کامل خسارت اشاره نمود به عنوان مثال نظام حقوقی سوئیس در مسئله جبران خسارت بر محور و مبنای جبران منصفانه دور می‌زند و به دادرسی اختیارات گسترده می‌دهد که بر مبنای انصاف و با توجه به وضعیت طرفین خسارت وارده را تعدیل نماید. به همین جهت در بند نخست ماده ۴۳ قانون تعهدات سوئیس به دادرسی اختیار داده شده است که شیوه و گستره جبران خسارت را بر حسب اوضاع و احوال و سنگینی تقصیر مقرر نماید. با این حال، در اکثر نظام‌های حقوقی خارجی اصل جبران کامل خسارت مورد پذیرش قرار گرفته است و عامل زیان فارغ از درجه تقصیر و وضعیت مالی خویش یا طرف مقابل یعنی زیان‌دیده ملزم است که تمامی



خسارات را به طور تمام و کمال جبران نماید که از آن جمله می‌توان به نظام‌های حقوقی انگلستان، آمریکا، کشورهای حوزه اسکانندیناوی، آلمان و فرانسه اشاره کرد. در میان کشورهای سوسیالیستی نیز بلغارستان از این اصل پیروی می‌نمود (قسمتی تبریزی، ۱۳۸۳، ۹۹) همچنین این اصل در مقررات بین‌المللی نیز مورد توجه قرار است از جمله در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی از این اصل به وضوح یاد شده است. (عبدی، ۱۳۹۸، ۱۰۰)

۵- اصل جبران خسارت در نظام حقوقی ایران

اصل جبران کامل خسارات به صورت صریح و در ضمن یک ماده قانونی مورد تصریح قرار نگرفته است اما به صورت ضمنی و از برخی مواد قانونی می‌توان وجود چنین اصلی در نظام حقوقی ایران را پذیرفت به موجب ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» یا مطابق با ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه «به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت‌های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون است به استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی جبران می‌شود» قاعده‌ای داریم تحت عنوان ما مِنْ عَامِّ إِلَّا وَ قَدْ خُصَّ به این معنا که هیچ عامی نیست مگر اینکه تخصیص خورده (فاضل لنگرانی، ۱۳۸۵، ۵۱۰) و به قول ما حقوقی‌ها، هیچ اصلی نیست مگر اینکه استثنائی دارد. بنابراین همیشه اینطور نیست که خسارت قابل جبران به طور کامل پرداخت شود بلکه گاهی به زیان دیده بیشتر از زیان وارده خسارت پرداخت می‌شود و گاهی نیز کمتر؛ که این امر ممکن است ناشی از حکم قانون باشد یا قرارداد مثل اینکه عامل زیان با زیان دیده توافق بر عدم مسئولیت یا تحدید میزان مسئولیت نموده باشند و اما موجبات قانونی به قرار ذیل است:



الف. به موجب قانون بیشتر از زیان وارد شده خسارت پرداخت می شود: طبق ماده ۳۱۴ قانون مدنی «اگر در نتیجه عمل غاصب، قیمت مال مغضوب زیاد شود، غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت» به موجب این ماده قانونی مالک نه تنها مال خویش را پس می گیرد بلکه از زیادتی قیمت ناشی از عمل غاصب نیز برخوردار می شود یا در برخی موارد قانونگذار خسارات تنبیهی برای عامل زیان در نظر گرفته است از جمله در ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی آمده است «هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی علیه هر دو در ماه های حرام محرم، رجب، ذی القعدة و ذی الحجه یا در محدوده حرم مکه، واقع شود خواه جنایت عمدی خواه غیرعمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک سوم دیه نیز افزوده می گردد».

ب. به موجب قانون کمتر از زیان وارد شده خسارت پرداخت می شود: طبق بند ۵ ماده ۵۵ قانون دریایی «متصدی باربری و یا کشتی هیچکدام در مورد فقدان و یا خسارات وارده به کالا مسئولیتی زائد بر صد لیره استرلینگ برای هر بسته کالا و یا واحد آن نخواهد داشت مگر اینکه نوع و ارزش اینگونه بار قبل از حمل توسط فرستنده بار اظهار گردیده و در بارنامه دریائی نیز قید شده باشد» یا در تبصره ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری تصریح شده است که «خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گرانترین خودروی متعارف از طریق بیمه نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد» در ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی نیز به قاضی اختیار داده شده که در موارد خاصی در میزان پرداخت خسارت تخفیف دهد. آیا علاوه بر دیه می توان خسارات مازاد بر دیه مثل هزینه های درمان، خسارت از کار افتادگی (محرومیت از کسب درآمد) و خسارت معنوی را هم مطالبه کرد؟ در این زمینه تشتت آراء وجود دارد به همین علت عده کثیری از فقهای معاصر و برخی حقوقدانان معتقدند که دیه، تمام خسارات مادی و معنوی ناشی از آسیب بدنی را جبران می کند و زیان دیده نمی تواند در کنار دیه مبلغ دیگری را از باب خسارت مطالبه کند در نگاه این عده در واقع شارع تمام زیان های ناشی از صدمات جسمانی را در دیه لحاظ کرده و اگر غیر از این بود به پرداخت مالی مازاد بر دیه نیز اشاره می کرد. (جواهرکلام، ۱۴۰۱، ۲۲۹) اما گروه اندکی از فقهای معاصر و برخی حقوقدانان با استناد به بنای عقلا، قاعده تسبیب، لاضرر و نفی حرج معتقدند که دیه، حداقل و به قولی کف میزان خسارت است که پرداخت خسارت کمتر از آن در مورد زیان های بدنی ممکن نیست ولی مطالبه خسارت بیشتر از دیه در صورت اثبات ورود آن خسارت مازاد، اعم از مادی و معنوی امکان پذیر می باشد حضرت استاد دکتر کاتوزیان طرفدار این نظریه بوده و چنین می نویسد: «اگر مقصود این باشد که جز دیه خسارتی قابل مطالبه نیست و فرضی که قانون گذار در



کفایت مبلغ آن کرده قاطع و تخلف ناپذیر است باید از آن چشم پوشید زیرا، نخستین هدف قانون گذار جبران تمام ضررهاست و قوانین باید به گونه‌ای تفسیر و معنی شود که وضع زیان دیده به حال پیشین بازگردد..... پس اجرای عدالت و منطبق حقوق در جمع بین قوانین (الجمع مهما امکن اولی) چنین ایجاب می‌کند که گفته شود تعیین مبلغ دیه مبتنی بر فرض کمترین خسارتی است که از قتل و جرح و نقص عضو انسانی به بار می‌آید و نیاز به اثبات ندارد و بیش از آن را مدعی باید مطابق قواعد عمومی ثابت کند». (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ۲۹۸) اما به نظر می‌رسد در حال حاضر طبق نص صریح تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد «منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود» خسارات معنوی و خسارات مالی مثل هزینه‌های درمان و از کار افتادگی اگر آن را جزء منافع ممکن الحصول محسوب نماییم قابل مطالبه نیست مگر در موارد استثنائی پیش‌بینی شده در قانون مثل ماده ۵ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن که مقرر نموده «در کلیه موارد مذکور در این قانون، مرتکب علاوه بر جبران خسارت‌های مقرر در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه‌دیده می‌باشد» یا بند الف ماده ۱ قانون بیمه اجباری؛ دلایل متقنی نیز این دیدگاه را تایید می‌کند. (کریمی منفرد و لطف اله زادگان، ۱۴۰۳، ۳۰)



نتیجه گیری

اصل جبران کامل خسارت به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام‌های حقوقی، در نظام حقوقی ایران نیز نقش کلیدی در تأمین عدالت و حمایت از حقوق زیان‌دیدگان ایفا می‌کند. تحلیل تطبیقی این اصل نشان می‌دهد که با وجود شباهت‌های بنیادی در هدف جبران خسارت، تفاوت‌های معناداری در نحوه اجرا، تفسیر و دامنه آن وجود دارد. در حقوق ایران، جبران خسارت بیشتر تحت تأثیر قوانین و مقررات قرار دارد، در حالی که در حقوق کامن‌لا، رویه قضائی و نظریه‌های حقوقی به شکل قابل توجهی بر تفسیر و کاربرد این اصل تأثیر می‌گذارند. از چالش‌های موجود در هر دو نظام می‌توان به عدم شفافیت در تعیین معیارهای جبران خسارت، پیچیدگی‌های رویه‌ای و اقتصادی و همچنین تأثیرات اجتماعی بر فرآیند جبران اشاره کرد. در حقوق ایران، نیاز به اصلاحات قانونی و بهبود رویه‌های قضائی برای تسهیل در جبران خسارت احساس می‌شود. همچنین، در نظام کامن‌لا، گرچه اصول جبران خسارت به خوبی تعریف شده‌اند، اما نیاز به توجه بیشتر به مسائل اجتماعی و اقتصادی در تعیین میزان جبران خسارت وجود دارد. به منظور بهبود نظام‌های حقوقی در زمینه جبران خسارت، پیشنهاد می‌شود که قوانین شفاف و جامع تدوین و قوانین مربوط به جبران خسارت اصلاح شوند تا معیارهای مشخصی برای تعیین میزان خسارت و نحوه جبران آن ارائه شود. همچنین در این راستا برگزاری دوره‌های آموزشی برای قضات و وکلا در زمینه جبران خسارت و حقوق زیان‌دیدگان می‌تواند به بهبود رویه‌های قضائی کمک کند. نیز؛ تشویق به انجام پژوهش‌های بیشتر در زمینه جبران خسارت و تأثیرات آن بر جامعه، می‌تواند به بهبود قوانین و رویه‌ها کمک کند. لذا پیشنهاد می‌گردد ماده قانونی ذیل به متن قانون مدنی اضافه گردد. ماده واحده «در مواردی که خسارت وارده قابل جبران تشخیص داده شود، میزان جبران خسارت باید به گونه‌ای تعیین گردد که نه کمتر و نه بیشتر از زیان واقعی باشد مگر در مواردی که قانون استثناء نموده است. تبصره- هزینه‌های مازاد بر دیه قابل مطالبه می‌باشد».



منابع

۱. باریکلو، علیرضا، (۱۴۰۱) مسئولیت مدنی، چاپ دهم، تهران: انتشارات میزان.
۲. بورمند، نوید، (۱۴۰۳) چهارده قاعده فقهی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات توازن.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۴۰۱)، مقدمه عمومی علم حقوق، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۴. جواهر کلام، محمد هادی، (۱۴۰۱)، مبانی و اصول جبران خسارت بدنی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سهامی انتشار.
۵. صفائی، سید حسین، رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۹) مسئولیت مدنی تطبیقی، چاپ دوم، تهران: انتشارات شهردانش.
۶. صفاری، نازنین (۱۴۰۲) خسارت معنوی در حقوق ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات مبین عدالت.
۷. عبدی، مهنوش، (۱۳۹۸) اصل جبران کامل خسارات قراردادی در حقوق ایران و امریکا، چاپ اول، تهران: انتشارات حقوق اسلامی.
۸. عرفانی، توفیق، (۱۳۸۱) قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات کیهان.
۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۵) ایضاح الکفایه، جلد ۳، چاپ پنجم، قم: انتشارات نوح.
۱۰. قسمتی تبریزی، علی (۱۳۸۳) اصل جبران کامل زیان در مسئولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۴۰۰) مسئولیت مدنی، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۸) فلسفه حقوق مدنی، جلد ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۳. کریمی منفرد، رضا، لطف اله زادگان، آیدین (۱۴۰۳) الزامات خارج از قرارداد به زبان ساده، چاپ اول، تهران: انتشارات چتردانش.



-
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۸) اصول کافی، جلد ۵، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. یوسفی، علی، (۱۳۹۷) اصل جبران کامل خسارت در حقوق مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.



Compensatory justice and the principle of full compensation for damages, challenges and obstacles

Parisa Rezvan^۱ / Alireza Shamshiri^۲

Article Number: JHVMN-۲۴۰۱-۱۱۸۹

Abstract

In this article, the principle of full compensation for damages, which is considered one of the fundamental principles in the field of civil liability, has been analyzed using a descriptive analytical method with the aim of examining it in the Iranian legal system and the legal systems of foreign countries. The main question is whether such a principle is conceivable in the Iranian legal system or not? In this regard, by analyzing the concept of the principle of full compensation for damages and the criteria and challenges related to it, and by reviewing and reviewing the laws and regulations, it was concluded that, in general, the principle of full compensation for damages is acceptable in the Iranian legal system and is emphasized in laws and judicial procedures. However, there are challenges in the field of determining and compensating for damages that require further attention and reform.

Keyword: Principle of full compensation for damages, common law, civil liability, fairness.

^۱. University lecturer and PhD student in Private Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. parisa.rezvan^{۶۲}@gmail.com (Corresponding Author)

^۲. Assistant Professor of Private Law, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. alireza.shamshiri@ctb.iau.ir

